

## جایگاه خرد و خردورزان در سخنان امام رضا(علیه السلام)

اساس تمام پیشرفتهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ اندیشه و تعقل از یک طرف و سعی و تلاش خردورزان از طرف دیگر بوده است...



اساس تمام پیشرفتهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ اندیشه و تعقل از یک طرف و سعی و تلاش خردورزان از طرف دیگر بوده است. اگر بشر قرن بیستم و بیست و یکم از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است چنان که پیشرفتهای معنوی جوامع و افراد نیز بر اثر بهره‌وری از توان عقل و خرد و قدرت عقل و تلاش بوده است.

پیامبران، امامان و بندگان صالح الهی همه اهل خرد و تعقل و مروجان تفکر و اندیشه بوده‌اند ابوذر شاگرد تربیت شده و خردورز پیامبر اکرم(ص) بیشترین اوقات خویش را صرف تعقل و اندیشه و عبرت اندوزی و بهره‌گیری از خرد دیگران می‌نمود. (۱) قرآن این کتاب جاوید و ماندگار الهی و آسمانی برای اندیشه و خردورزی و صاحبان عقل و خردورزان، ارزش والا و حیاتی قائل است و زیباترین و رساترین سخنان را درباره ارزش دانش و تعقل و دقت و تفقه بیان نموده است. در قرآن بیش از هزار بار (۲) کلمه «علم» و مشتقات آن، که نشانه باروری خرد و اندیشه است تکرار شده، و افزون بر ۱۷ آیه به طور صریح انسان را دعوت به تفکر نموده، بیش از ۱۰ آیه با کلمه «انظروا، دقت کنید» شروع شده است. بیش از پنجاه مورد کلمه «عقل» و مشتقات آن به کار رفته است و در چهار آیه نیز قاطعانه به تدبیر در قرآن امر شده است و همچنین از کلمه فقه و تفقه و امثال آن بهره جسته است.

از طرف دیگر فقهای خردورز ما نیز عقل و خرد را یکی از چهار منبع استنباط و استخراج معرفتی نموده و حکیمان و اندیشمندان اسلام نیز با بهره‌گیری از خرد، فلسفه و کلام اسلامی را در اوج عظمت و منانت ارتقاء و صعود داده‌اند و بر توده مردم نیز لازم است که در اعتقادات اصولی و اساسی از خرد بهره جویند.

راستی از انصاف بسیار فاصله دارد آنانی که دین اسلام را غیر عقلانی قلمداد نموده و احکام آن را به دور از اندیشه و عقلانیت می‌دانند.

آنچه در پیش رو دارید نگاهی است گذرا به جایگاه عقل و تعقل و عاقلان و خردورزان در کلام عالم و اندیشمند اهل بیت(ع) حضرت علی بن موسی(ع).

الف: جایگاه خرد

۱- عقل حجت باطنی:

عقل را تعریف گوناگونی شده است، در روایات به «العقل ما عبد به الرحمان؛ عقل چیزی است که بوسیله آن خدا بندگی می‌شود» و یا حجت باطنی تعریف شده است (۳) امام هشتم (ع) نیز عقل را حجت باطنی در کنار حجت ظاهری یعنی انبیاء و امامان دانسته است. ابن سکیت به امام عرض کرد: «ما ألحجه على الخلق اليوم؟ فقال (ع) ألعقل يعرف به الصادق على الله فيصدقهُ وَ الكاذبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكذِّبُهُ فَقَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ. هَذَا وَ اللَّهِ هُوَ الْجَوَابُ؛ امروز حجت بر مردم چیست؟ امام(ع) فرمود: همان خرد باشد که انسان به وسیله آن راستگویی بر خدا را می‌شناسد و او را تصدیق می‌کند و از دروغ پرداز بر خدا آگاهی می‌یابد و او را تکذیب می‌کند، پس ابن سکیت گفت: به خدا سوگند که این همان پاسخ (درست) است.» (۴)

خود حضرت نیز در روزگاری که حجت ظاهری خداوند یعنی امامت الهی در حد پادشاهی و ولایت عهدی تنزل یافته و امامان معصوم ناشناخته مانده‌اند از حجت باطنی بیشترین بهره را برد و با تشکیل مناظرات و احتجاجات عقلانی، خردورزان را جذب خویش نموده و عده‌ای از آنها را به راه اصلی و حجت ظاهری و امامت هدایت نمود.

مهمترین احتجاجات عقلی حضرت عبارتند از:

- ۱- مناظره با جاثلیق، رئیس اسقفها و پیشوای مسیحیان.
- ۲- مناظره با رأس الجالوت بزرگ یهودیان.
- ۳- مناظره با هرئز اکبر، بزرگ زرتشتیان.
- ۴- مناظره با عمران صابی.
- ۵- مناظره با سلیمان مروزی دانشمند علم کلام.
- ۶- مناظره با علی بن محمد بن جهم ناصبی.
- ۷- مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

هر یک از مناظرات حضرت دارای محتوای عمیق عقلانی است که هر خردمندی را مقهور خود می‌سازد. (۵)

## ۲- عقل هدیه الهی:

خداوند نعمت‌های فراوانی ارزانی انسان داشته، در بین این نعمت‌ها، نعمت ولایت و نعمت عقل از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. به همین جهت است که در جای جای روایات، این نعمت را مخصوصاً به خداوند نسبت داده و هدیه الهی دانسته است با اینکه تمام نعمت‌ها از آن اوست، در واقع این یک نوع اضافه تشریفی به خداوند

متعال است حضرت علی بن موسی (ع) به ابی هاشم جعفری فرمود: «یا ابا هاشم الْعَقْلُ حِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ كُفَّةٌ، فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَّرَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ يَذِكْ إِلَّا جَهْلًا؛ (۶) ای ابی هاشم خرد ارزانی خداوند است و (به دست آوردن) ادب مشقت آور است. پس هر کس مشقت ادب آموزی را بر عهده گیرد به آن دست یابد و هر کس مشقت خرد آموزی (و به دست آوردن آن را) بر عهده گیرد جز نادانی نیفزاید (چرا که عقل را خداوند باید عنایت کند).

## ۳- تعقل برترین عبادت:

عده‌ای بر این باورند که عبادات منحصر است در انجام نماز و خواندن نمازهای مستحبی و گرفتن روزه‌های واجب و مستحب، بدون آن که در رمز و راز آن اندیشه کنند، و یا در زمان و اوضاع آن تعقل نمایند.

امام هشتم (ع) با گوشزد این خطر عبادت اصلی را در زیادی اندیشیدن و بهره‌وری از خرد می‌داند آنجا که فرمود: «لیست العباده کثره الصیام و الصلوة، و انما العباده کثره التّفکر فی امر اللّٰه؛ (۷) عبادت (زیادی روزه و نماز نیست و بلکه) فقط بسیار اندیشیدن در امر خداوند است».

## ۴- بهترین دوست:

خرد علاوه بر آنکه در کار فکری و نظری مددکار انسان است و به عبادت انسان ارزش و بهاء می‌دهد، در کارهای عملی نیز بهترین یار انسان و در تنهایی‌ها بهترین رفیق و دوست انسان شمرده می‌شود، امام هشتم (ع) در این باره می‌فرماید: «صديق کلّ امرء عقله و عدوه جهله؛ (۸) دوست هر

مردی (و انسانی) خرد اوست و دشمنش نادانی او». و پیامبر اکرم (ص) نیز عقل را قوام انسان و عامل نگهدارنده او دانسته آنجا که فرمود: «قوام المرء عقله؛ (۹) قوام مرد (و آنچه انسان را سرپا نگه می‌دارد) عقل اوست. و علی (ع) نزدیک‌ترین یار انسان را خرد معرفی می‌کند که: «العقل خلیل المؤمن؛ (۱۰) خرد دوست مؤمن است».

## ۵- مهر عامل دوستی

عقل و خرد نه تنها دوست و یار خود انسان است، که دوستی با دوستان و یاران نیز با عقل و خرد میسر است، انسان بخواهد دوستان خود را در سطح جامعه و فامیل و خانواده حفظ کند باید از مهربانی برخوردار باشد، امام هشتم (ع) در کلام نغز و زیبایی خود فرمود: «التودّد الى النّاس نصف العقل؛ (۱۱) مهربانی با مردم نیمی از خرد است.

## ۶- برترین عقلها:

عقل انسان دارای مراتب و درجاتی است، برترین عقلها آن است که انسان را به سوی اهداف نورانی هدایت کند، و شناخت انسان را نسبت به خالق هستی، جهان‌شناسی، و انسان‌شناسی، بیشتر سازد، در این میان شناخت خود انسان بعنوان پلی برای خداشناسی و جهان‌شناسی از جایگاه ویژه برخوردار است حضرت رضا (ع) باتوجه به این نقش می‌فرماید: «افضل المال ماوقی به العرض و افضل العقل معرفة

الانسان نفسه؛ (۱۲) بهترین مال، مالی است که آبروی آدمی توسط آن حفظ شود، و بهترین عقل، شناختن انسان است خودش را».

## ب: نشانه خردورزان

بسیارند کسانی که ادعای خردورزی می‌کنند و گاه خود را برترین خرد ورز معرفی می‌نمایند، اما اینگونه نیست که هر مدعی خردی، خردورز باشد، چه بسیار کسانی هستند که بجای عقل از شیطنت و حيله‌گری برخوردارند، و همچون عمروعاص برای هر کاری حيله‌ای، و برای هر حق باطلی و برای هر راست، دروغی پیش ساخته دارند، این‌ها هرگز از نظر دینی خردمند و عاقل بحساب نمی‌آیند، برای تشخیص این امر حضرت ثامن الحجج (ع) نشانه خردمندان واقعی را به جامعه معرفی می‌نماید آنجا که فرمود: «لا یتّم عقل امرء مسلم حتّٰی تکون فیّه عشر خصال الخیر منه مأمول و الشرّ منه مأمون یتکثر قلیل الخیر من غیره، و یتقلّ کثیر الخیر من نفسه، لایسأم من طلب الحوائج الیه، و لا یملّ من طلب العلم طول دهره، الفقیر فی اللّٰه احبّ الیه من الغنی، والذلّ فی اللّٰه احبّ الیه من العزّ فی عدوّه، و الخمول اشهى الیه من الشّهره، ثمّ قال العاشره و ما العاشره، قیل له: ماهی؟ قال (ع): لایری احداً الاّ قال هو خیر منّی واتقی؛ (۱۳) خرد مرد مسلمان کامل نمی‌شود مگر آنکه ده ویژگی در او باشد:

۱- به نیکی او امید رود (و دست خیر او در جامعه مورد امید نیازمندان باشد).

۲- از بدی او آسودگی باشد (و کسی از شر او بر خود بیم نداشته باشد).

۳- و نیکی اندک دیگری را بسیار شمارد.

۴- و نیکی بسیار خویش را ناچیز داند.

۵- و از نیازخواهی (دیگران) نزد او دلگیر و خسته نمی‌شود.

۶- و از علم‌جویی در طول عمرش دلخسته نمی‌گردد.

۷- و تهدیستی در راه خدا را بیشتر از توانگری دوست می‌دارد.

۸- و خواری (ظاهری) در راه خدا را از بزرگمندی در نزد دشمن خدا خوشتر دارد.

۹- و گمنامی برای او رغبت انگیزتر از بلند آوازی (و شهرت) است.

۱۰ - سپس حضرت فرمود: دهمی و چه (دانی) دهمی (چیست)؟ عرض شد به حضرت: دهمی چیست؟ فرمود: کسی را نبیند مگر آن که گوید: او از من بهتر و پارساتر است.

در ادامه آن حضرت فرمود: «إِثْمَا النَّاسِ رَجُلَانِ: رَجُلٌ خَيْرٌ مِنْهُ وَآتَقَى تَوَاضَعًا لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَطَابَ خَيْرُهُ وَحَسَنَ ذِكْرُهُ وَ سَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ؛ (۱۴) به راستی مردم دو دسته‌اند: بهتر و پارساتر از او و بدتر و پائین‌تر، پس (خردمند) هرگاه مردی بدتر از خود را ملاقات کند می‌گوید: شاید نیکی و خوبی او در درون و باطن اوست که این به سود اوست، ولی نیکی من آشکار است و (شاید) این به زیان من است. و هرگاه بهتر و پارساتر از خویش را ببیند در برابرش فروتنی کند تا همپای او گردد، پس چنانچه این گونه کند بی گمان بزرگمندی‌اش فراز گیرد و نیکی‌اش پاکیزه شود و یاد او نیک گردد و سرور مردم دوران خویش باشد.

به حقیقت اگر به آنچه در روایت فوق بعنوان اوصاف خردمندان و خردورزان اشاره شده عمل شود، بسیاری از امور جامعه امروز ما اصلاح خواهد شد.

یکی از مشکلات جامعه امروز ما ندیده گرفتن خدمات و تلاشهای جناح مخالف است هر گروهی برای بیرون کردن رقیب از میدان، بیش از آنکه نقاط مثبت خویش را بیان دارد، تلاش در بزرگ جلوه دادن نقاط منفی مخالف دارد، بدون آنکه نقاط مثبت و کارهای انجام شده گروه مخالف را بیان کند، اگر طرفین به اوصاف خردمندان پایبند بودند، در کنار انتقاد و بیان ضعف، کارهای خیر و مثبت رقیب را نیز بیان می‌کردند، و در جامعه بخوبی جلوه می‌دادند، چنانکه امام هشتم (ع) فرمود:

مشکل دیگر احساس خستگی مسئولان و مراجع ذی‌ربط و افراد متشخص در مقابل مراجعات و اظهار حاجات مردم است و حال آنکه خردمندان بنابه گفته امام هشتم (ع) هرگز در مقابل حاجت‌های مردم و گرهگشائی از کار آنان اظهار عجز و ملامت و خستگی نمی‌کنند.

مشکل سوم در جامعه، شهرت طلبی و شهر خواهی است، نمونه بارز آن را در ایام انتخابات می‌بینیم خیلی از نامزدها یقین دارند که در انتخابات کشوری یا استانی برنده نمی‌شوند، با این حال خرجهای کلان و اسرافهای بی‌شماری را مرتکب می‌شوند، آنهم در اوضاعی که خیلی از جوانهای ما بر اثر نداشتن توان مالی از امر ازدواج عاجزند، و خیلی از خانواده‌های فقیر در نان شب شان درمانده، و... آن همه خرجها و تلاشها جز به هدف شهرت خواهی انجام نمی‌پذیرد. و حال آن که حضرت ثامن الحجج فرمود: انسان خردمند و خردپیشه از شهرت‌طلبی گریزان، مگر آنجای که در مسیر انجام وظائف الهی باشد.

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۲۱.

۲. آمار استخراج شده بر اساس اطلاعات کتاب «المعجم المفهرس» محمد فؤاد عبدالباقی (دارالحدیث قاهره) می‌باشد.

۳. منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص ۳۵۸.

۴. شیخ ابومحمد حرّانی، تحف العقول، انتشارات آل علی (ع)، چاپ اول، ص ۸۱۴، شماره ۴۸.

۵. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۵، بحار، ج ۴۹، و ر. ک مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا (ع) ۱۳۶۶، ه.ش، ج ۱، ص ۴۳۲ - ۴۵۲.

۶. همان، ص ۸۱۲، شماره ۴۶.

۷. همان، ص ۸۰۲، شماره ۳.

۸. همان، ص ۸۰۴، شماره ۱۴.

۹. روضه الواعظین، ص ۹، و منتخب میزان الحکمه، ص ۳۵۷.

۱۰. همان، ص ۲۵۷ و تحف العقول، ص ۲۰۳.

۱۱. تحف العقول، همان، ص ۸۰۴، شماره ۱۵.

۱۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱۰، ص ۵۷۷.

۱۳. همان، ص ۸۰۴، شماره ۱۷.

۱۴. همان، ص ۸۰۴.

حجه‌الاسلام سید جواد حسینی